

نسخه‌های مصور گلستان و بوستان

بقلم : دکتر محمد عبدالله جغتائی
برگردان از اردو به فارسی : ایران تاج

مقدمه

شخصیت برجسته شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی که در حدود ۶۱۹ هجری وفات یافته است نیاز به توصیف ندارد. دو کتاب مشهور سعدی «گلستان و بوستان» در عالم علم و ادب مقام خاصی دارد و از روز تصنیف تاکنون نسخ بی‌شماری از آنها چاپ و منتشر شده است که همچنین نسخه‌های متعدد دیگری به خط کاتبان خوشنویس و نقاشان زبردست تهیه گردیده است که از آنها هزار بار در هر شهری چاپ شده و با زبانهای مختلف دنیا ترجمه گردیده است.

استفاده عملی این دو کتاب اینست که اگر پند و نصایح آنرا کسی درست بفهمد و بکار بندد به بالاترین مقام اجتماع خویش نائل خواهد شد.

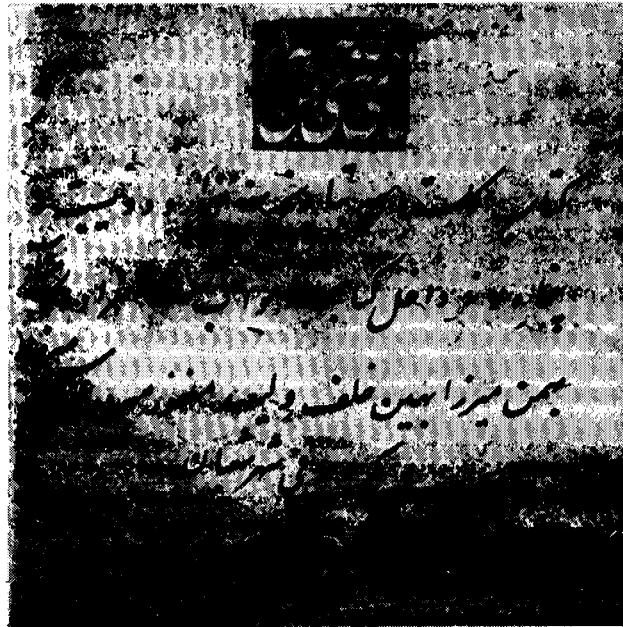
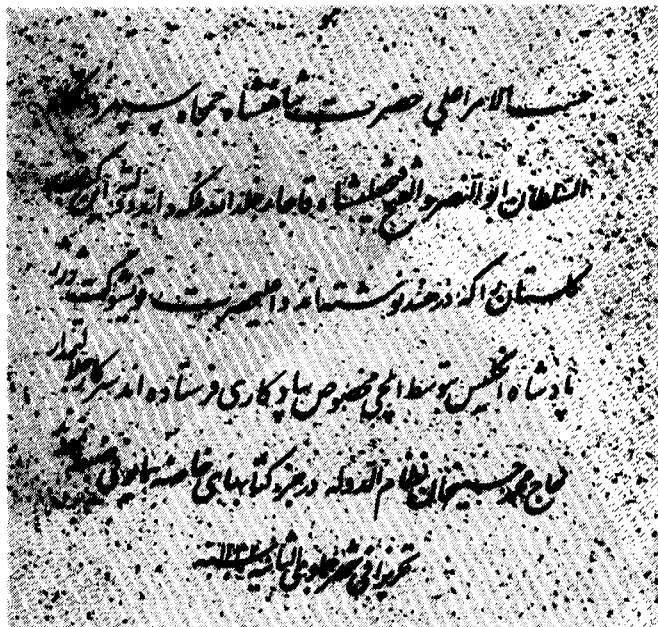
نگارنده در دوران زندگی خود نسخه‌های زرین و مصور عالی آنها را در کتابخانه‌های مختلف شخصاً مشاهده کرده‌ام که خود گنجینه ارزنده‌ای میباشد.

نسخه قابل ذکر و مهم بوستان نسخه‌ای است که بوسیله میر شیخ محمد بن شیخ احمد در سال ۸۸۳ هجری نوشته شده است. در این نسخه یازده تصویر وجود دارد که به امضای بهزاد (العهد بهزاد) است. این نسخه در چیستر بییتی لندن بود و همچنین یک نسخه گلستان در «روت‌هشیلد» است که پادشاه جهانگیر آنرا امضاء کرده است و تصاویر آن هم وسیله بهزاد تهیه شده است.

به نظر نگارنده ممتازترین نسخه بوستان سعدی در کتابخانه مصریه است که سلطان علی آنرا در سال ۸۹۸ نوشته و استاد بهزاد نیز تصاویر آنرا تهیه کرده است و بعداً در دوره شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۹ این نسخه به دست شمس‌الدین محمد کرمانی* تکمیل شده است و اهمیت این کتاب بر نویسندگان آن در آن زمان معلوم بوده است. تمامی این نسخ که ذکر شد در سال ۱۹۳۱ در نمایشگاه آثار ادب ایران در لندن بمعرض نمایش گذاشته شده است.

نسخه مصور گلستان و بوستان در اوایل پادشاهی شاه جهان در آگرا (اگره) پایتخت پادشاه مغول نوشته شده است که اتفاقاً کاتب آن حکیم رکن‌المسعود کاشی ایرانی است و از نسخه‌های فوق‌العاده نادر بشمار میرود این نسخه بهترین شاهکار فن نقاشی و خط (تحریر) زمان مغول است. نسخه گلستان در چیستر بییتی لندن بوده و یک نسخه از بوستان، امروز هم در موزه بریتانیا

* در کتاب «نامه نامی» خوند میر ذکر شده است که شمس‌الدین کرمانی مسئول کتابخانه مصریه بوده است.



لندن موجود است . ولی افسوس که نام نقاشان آنها ذکر نشده است .

نسخه گلستان چیستریبیتی در ماه جمادی الاول ۱۰۳۸ هجری و نسخه بوستان در ۲۶ ربیع الاول ۱۰۳۹ هجری نوشته شده است این دو نسخه را «سرجان ملکم» تاریخ نویس مشهور در تاریخ ۱۸۱۰ میلادی که در لباس یک سیاح درویش در کرمانشاه از یک شهزاده زندی خریده و به موزه بریتانیا اهدا کرده است که این دو نسخه یکی بعد از دیگری تقریباً در یک زمان نوشته شده بود .

با توجه به مطالب زیر تاریخ تحریر نسخه کتاب گلستان و بوستان معلوم میشود «ماه جمادی الاول سال هزاروسی و هشت در آگرا بقلم این حقیر رکن الدین مشهور به حکیم رکنایان یافت که خدا نگاهدارد او را از بلاها و خدا بیخشد نویسنده او را بحق محمد علیه افضل الصلوات آمین یا رب العالمین که بخیر و سعادت تمام شده.»



پس معلوم شد که حکیم رکنایان هر دو نسخه را یکی بعد از دیگری در آگرا نوشته است . اینک یک صفحه از بهترین صفحات بوستان را بصورت عکس (شکل ۲) تقدیم میکنم که زیبایی خط نستعلیق این دو کتاب را بما نشان میدهد . اندازه آن ۱۵ × ۱۲/۵ اینچ است . و علاوه بر اینکه رنگی است تذهیب نیز گردیده است که از نظر ارزش هنری بی نظیر است .

کتاب گلستان دارای ۹ تصویر و بوستان ۱۰ تصویر میباشد که مجموعاً در ۱۲۰ برگ و هر صفحه در ۱۲ سطر نوشته شده است .

تقی الدین کاشانی اشعار زیر را از حکیم رکنایان در کتاب خلاصه اشعار درباره خوشنویسی او نقل کرده است :

فصولش به تقلید من شد درست
غلط گفتم آخر ، سناسی منم
نویسم که العهد سلطان علی

چو بقراطم اندر طبابت نخست
گر از شعر پرسی ، سناسی فتم
ور از خط پرسی خفی و جلی

از این اشعار به عقاید وی در زندگیش پی می‌بریم، که از نظر طب پیرو بقراط بوده و از نظر فن شعر روش حکیم سنائی را داشته است و در پایان کتاب می‌بینیم که خود را مقلد سلطان علی که در سال ۹۲۶ در مشهد وفات یافته و در آنجا مدفون است میدانند. وی میگوید که خط خفی و جلی را به تقلید از سلطان علی خوب مینوشته است.

همچنین از ابیات فوق معلوم میشود که او در هر سه مورد ماهر بوده است.

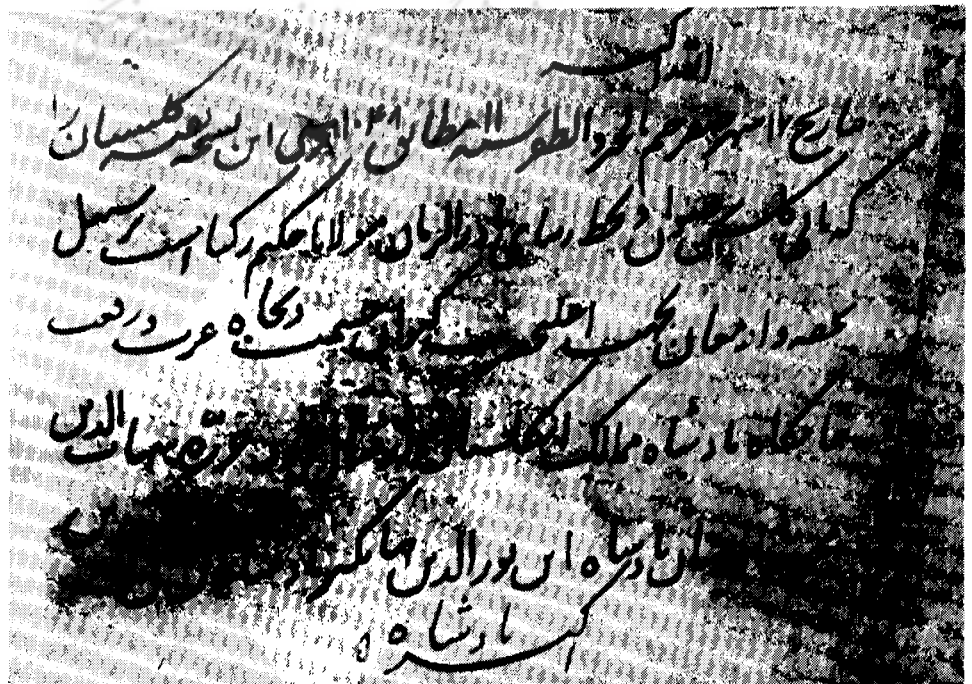
ذکر مختصری از دوران زندگی حکیم رکنکاشی

در نسخه گلستان نام او چنین ذکر شده است: حکیم رکن‌الدین مسعود مشهور به حکیم رکن‌ا پسر نظام‌الدین علی کاشانی بود. از زمان شاه طهماسب پادشاه صفویه تا زمان شاه عباس اول زندگی میکرد. ولی به نام حکیم رکن معروف بوده است. شهرت او در جوانی به علم طب بوده و در علم طب کتاب ضابطة‌العلاج را نوشته است و علاوه بر علم طب علاقه خاصی به شعر داشت و متخلص به مسیحی بوده و در خوشنویسی نیز مهارت بسیاری داشته است. تا زمان شاه عباس اول خوشنویس ارزنده‌ای نبود و از این بابت همیشه ناراحت مینمود، بطوری که به موطن خود کاشان رفت و در آنجا ساکن شد و به طبابت پرداخت. بعد از دو سال به خراسان آمد. وقتی که شاه عباس به بلخ رفت، حکیم رکن به اتفاق خانواده خود به هندوستان به دربار مغول راه یافت. در خلاصه الاشعار نوشته شده است که اطباء برای او احترام زیاد قایل بودند او به خوشنویسی علاقه زیادی داشت و همچنین آزاد بلگرامی نوشته است که وی در دربار جهانگیر و شاه جهان احترام زیادی داشت.

حکیم رکن در دربار مغول:

چنین بنظر میرسد که حکیم رکن در پایان حکومت اکبر به آگرا آمده است، ولی در زمان جهانگیر شاه جهان زندگی میکرد. در مراسم عام ملقب کردن شاه جهان به ابوالمظفر شهاب‌الدین محمد شاه جهان صاحب قران ثانی، شعرا قصیده‌هایی سروده بودند. اشعار زیر که متعلق به حکیم رکنکاشی، متخلص به مسیح است در این مورد قابل ذکر است:

خرم و شاد کام آن باشد	پادشاه زمانه شاه جهان
همچو حکم قضا روان باشد	حکم او بر خلائق عالم
در جهان باد تا جهان باشد	بهر سال جلوس شد گفتم



شعراى ديگر نيز مانند شعهداى گيلانى جيسون در آن موقع قضاى سروده اند . بحكم ملكه ممتازالزمانى از اول همان سال مبلغ ۲۴ هزار روپيه مقررى سالانه براى حكيم ركنآ تعيين شد . و همچنين در مراسم سال چهارم نوشته است ، كه ۵ هزار روپيه بهوى داده شده كه براى مرخصى وزيارت به مشهد مقدس برود .

درباره حكماى دربار شاهجهان نوشته است كه : حكيم در پايان عمر خود بعلى كبر سن به وطن خود بازگشت و در پايان عمر به مشهد آمده و از آنجا به كاشان رفته ، سپس به صلاحديد شاه صفى به اصفهان رفت ، ولى نتوانست در آنجا سكونت اختيار كند ، از آنجا به شيراز سفر كرد و از شيراز به كاشان بازگشت و در سال ۱۰۶۶ هجرى پس از برخوردارى از يك عمر طولانى وفات يافت و در همانجا مدفون گرديد . از نوشته شاهجهان در نسخه گلستان معلوم ميشود كه اين نسخه در سال ۱۰۴۸ هجرى بعنوان هديه به پادشاه انگلستان فرستاده شده بود . (شكل شماره ۳) .

الله اكبر

بتاريخ ۱۷ ماه صفر مطابق ۱۰۴۸ هجرى اين نسخه نفيسه گلستان را كه بانى گلشن رضوان ، بدستخط رسائى نادرالزمان مولانا حكيم ركنآ است ، برسبيل تحفه و ارمان براى اعلىحضرت كيوان حشمت ذبجاه عزت و رفعت جايبگاه ، پادشاه ممالك انگلستان ارسال نمود - حرره شهابالدين محمد شاهجهان پادشاه ، ابن نورالدين جهانگير پادشاه ، ابن جلالالدين محمد اكبر پادشاه .

بنابر اين نسخه مصور گلستان شاهجهان ، بهچارلز اول ، پادشاه انگلستان بعنوان هديه تقديم شد و نزديك به دوپست سال در خزانه پادشاهى بود و بعد از آن جورج چهارم ، پادشاه انگلستان آنرا در سال ۱۸۲۶ ميلادى به فتحعليشاه قاجار بعنوان هديه تقديم كرده است . آنچه در زير ميايد روشنگر اين مدعاست :

حسبالامر اعلىحضرت شاهنشاه جمجاه سپهر دستگاه ، السلطان ابوالنصر والفتح فتحعليشاه خلدالله ملكه و ابددوله ، اين كتاب گلستان را كه در هندوستان نوشته اند و اعلىحضرت قوى شوكت ، ژرژ ، پادشاه انگليس بوسيله (فرستاده) ايلچى مخصوص بيادگارى فرستاده اند ، سركار جلالت مدار ، حاج محمد حسين خان نظام الدوله در جزء كتابهاى خاصه همايونى ضبط نموده - تحرير فى شهر جمادى الثانيه ۱۲۴۳ . (ماه جمادى الثانيه - ۱۲۴۳) . (شكل ۲)



از اين مطالب معلوم ميشود اين نسخه كه در هندوستان نوشته شده ، و ايلچى مخصوص پادشاه انگليس آنرا بعنوان هديه آورده ، بدستور فتحعليشاه قاجار در ماه جمادى الثانيه سال ۱۲۴۳ بوسيله محمد حسين خان نظام الدوله جزو كتابهاى پادشاهى كه در هندوستان نوشته شده اند قرار گرفته است (شكل ۱) در همان نسخه اين مطلب هم نوشته شده است كتاب گلستان بتاريخ هزار و دوپست و پنجاه ونه داخل كتابخانه نواب «شاهزاده كامياب ، بهمن ميرزا بهمن خلف وليعهد مغفور ، مبرور عباس ميرزا» شد در ماه شعبان ۱۲۵۹ هجرى تقديم گرديده است يعنى : اين كتاب گلستان در ماه شعبان ۱۲۵۹ هجرى در كتابخانه نواب بهمن ميرزا متعلق به پسر شهزاده مرحوم ، عباس ميرزا گذاشته شد .

معانى تصاوير گلستان

تصوير يك - در اين تصوير دربار پادشاهى مجسم شده ، وزير پسر چه اى را به پيشگاه شاه به تقديم آورده است . موضوع اين است ، وزير بحكم پادشاه اين بچه را كه راهزنان عرب ربوده بودند نجات ميدهد . و همچنين مسئول زندان كه بچه را به وزير تحويل ميدهد بطور



وضوح نشان داده شده است و این تصویر نمونه کاملی از دربار مغول میباشد .
 تصویر دو - در این تصویر موقعیت يك كشتی که نشان دهنده دربار شاهی است خیلی
 واضح بنظر میرسد . این تصویر در مورد حکایت يك غلام ایرانی است که از دریا زیاد می ترسد
 و آرام نمی گیرد . با تدبیر يك فیلسوف غلام به دریا انداخته میشود سپس موهای او را گرفته نجاتش



میدهند بدین طریق آرام میگیرد و نتیجه این که تا وقتی خطر پیش نیاید قدر عافیت معلوم نمیشود در این تصویر وزیر ماهیت امر را برای پادشاه بیان میکند و کشتی شاهی با جاه و جلال تزیین یافته است .

تصویر ۳ - در این تصویر وزیر کودکی را به حضور شاه آورده و میگوید : اگر کیسه



صفرای اورا درآورند ، او خواهد مرد . اگر پادشاه اراده فرمایند که این بیچه زنده بماند در اینصورت اجازه فرمایند که اورا آزادکنند .

تصویر ۴ - يك صحنه كشتی را نشان میدهد که در آن يك نفر پهلوان منقوش گردیده است اصل داستان این است که يك شاگرد پهلوان معتقد است که پهلوان مقابل را میتواند شکست دهد ، اما آخر کار خود او شکست میخورد . در این تصویر میدان کشتی کاملاً روشن است .

تصویر ۵ - در این تصویر درویشی در حال سوار شدن به کشتی دیده میشود که یکی از سواران طرف مقابل را به پائین می اندازد . وی برای نجات خود طلب کمک میکند . وزیر در این صحنه داد و فریاد اورا گوش میکند .



تصویر ۶ : گوشه‌نشینی دیده میشود که در نتیجه عیاشی روبه‌تبااهی رفته وحس میکند که همسالان نوجوان او میتوانند بازهم خوش و خرم باشند . در این صحنه شخصی کنار فرد موقری نشسته و با او مشغول مشاوری است ، دیگران درمورد آن گوشه‌نشین عیاش حرف می‌زنند . تمام این تصاویر ، بصورتی ممتاز ترسیم شده است .

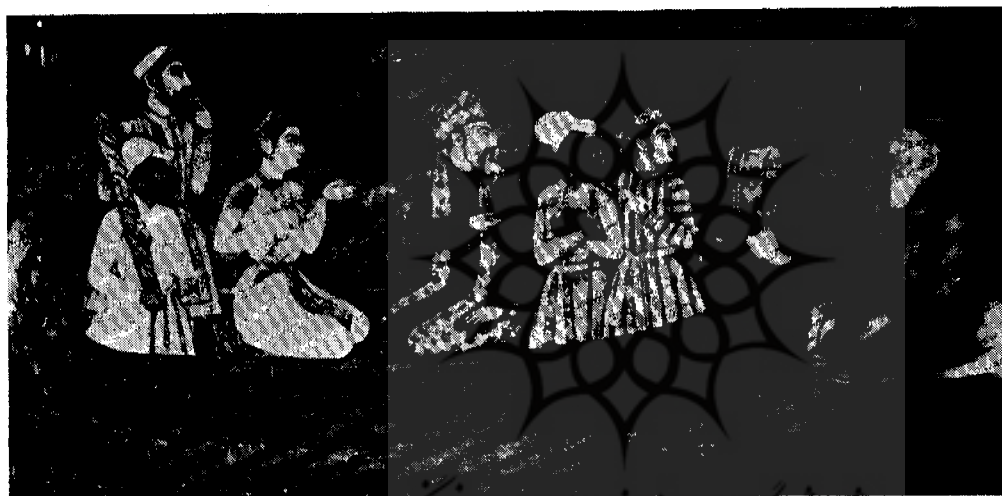
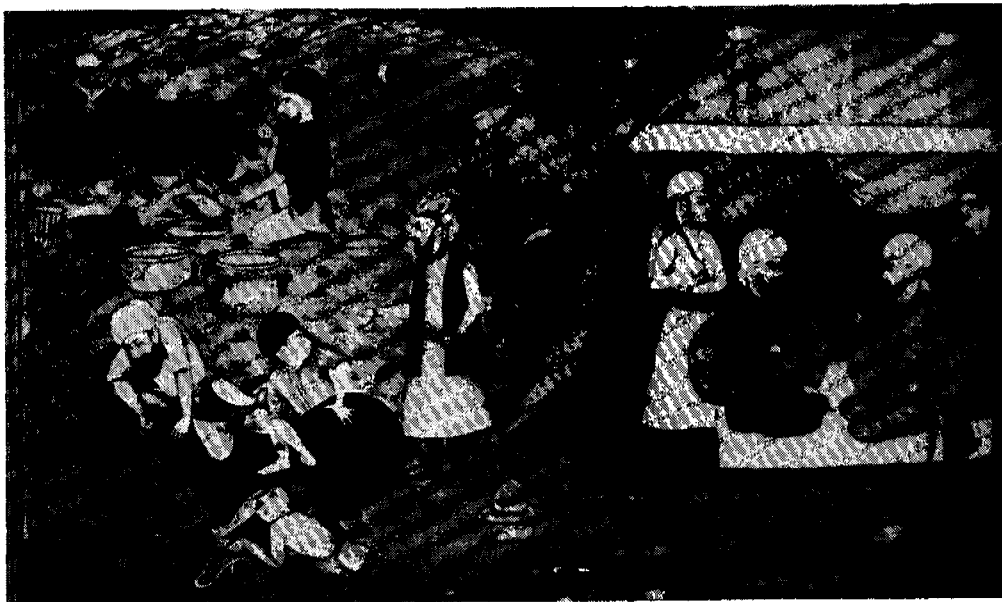
تصویر ۷ - این تصویر در نهایت صراحت نقش شده است و خانه و در آنرا بصورت فوق‌العاده جالب تصویر کرده جوانی را نشان میدهد که از شدت گرما بی‌هوش شده و دخترکی با یک کاسه پر از برف او را به هوش آورده است و در بالای آن این مطلب به چشم می‌خورد :
« نیاوردم والتجا بیایه دیواری بردم مترقب . . . »

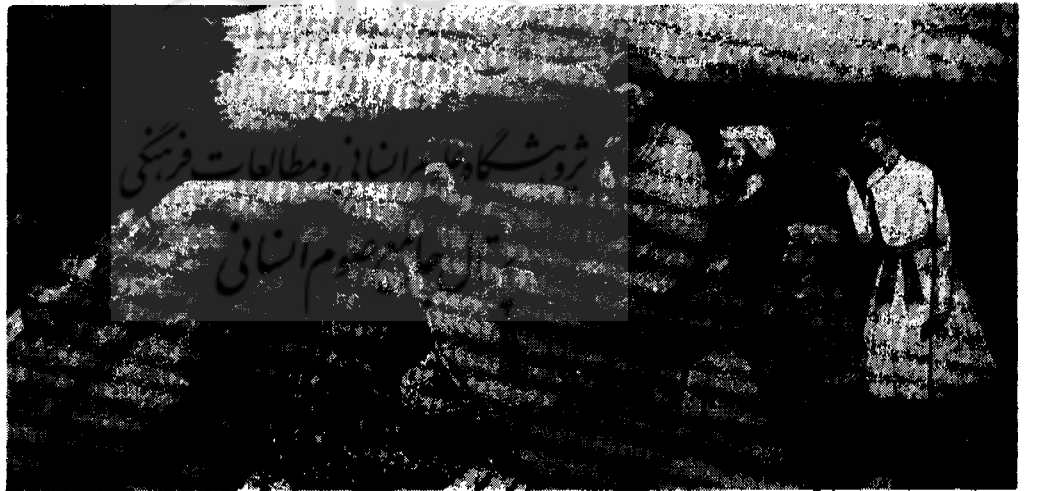
تصویر ۸ - در این تصویر جوانی دیده میشود که کنار ستونی ایستاده وعده‌ای در کشتی نشسته‌اند ، ملاح کشتی را می‌برد . آن جوان قبلاً ملاح بوده ، او را فریب داده‌اند و در نتیجه از ملاحی محروم شده است در این کشتی چندین ملاح نیز دیده میشوند که منتظر کشتی هستند .

تصویر ۹ - در این تصویر قاضی شهر در حالت مستی که با پسر نعلبندی شب‌را بسر برده در مقابل پادشاه قرار گرفته است . پادشاه قاضی را بیدار میکند . می‌گوید که آفتاب در آمد . قاضی می‌پرسد که آفتاب از کدام طرف در آمده . پادشاه جواب می‌دهد از مشرق . قاضی می‌گوید : پس هنوز دروازه توبه باز است ، چون مطابق حدیث گفته است ، تا آفتاب از طرف مغرب در نیامده است دروازه توبه برای گناهکاران باز خواهد بود .

مفاهیم تصاویر بوستان

تصویر ۱ - در این تصویر سخاوت حاتم طائی نشان داده میشود . امپراطور روم میخواهد سخاوت حاتم طائی را امتحان کند . بعد از استراحت فرستاده امپراطور درباره اسب مشهور میزبان صحبت میکند و او را میخواهد . حاتم از این تقاضا ناراحت میشود و تأسف می‌خورد





که اسب قبلاً ذبح شده است ، و برای پذیرائی شام از مهمانان استفاده شده است . البته این تصویر جالب ، دريك طرف ذبح را نشان میدهد و در طرف ديگر وسائل پذيرائی را فراهم مينمايند . همچنين در این تصویر حاتم طائی و شنگرفی فرستاده شاه ديده میشوند که در زیر چادر نشسته اند . تصویر ۲- در این تصویر يك صوفي پير از ملاحان ديده میشود که در ساحل تنها

مانده است اورا با جانمازی که دارد به آن طرف ساحل می‌برند . او شبیه‌بایزید بسطامی است.
تصویر ۳ - در این تصویر ، پیرمردی دختری را در آغوش یک مرد حبشی می‌بیند اورا سرزنش و لعن میکند مرد حبشی فرار میکند . سپس دختر به پیرمرد ناسزاکنان می‌گوید: چرا بی‌جهت در کارهای او دخالت میکنی و در نتیجه مرد حبشی را که بعد از جستجوی زیاد پیدا کرده بود ، از او جدا کرده است ؟

تصویر ۴ - مادری بچه مغرور و لجاجت‌خیز خود را سرزنش میکند و یادآور میشود که : همانطوریکه در زمان کودکی در گهواره ساکت و آرام و عاجز بوده یک روز نیز همانطور در قیصر قرار خواهد گرفت .

تصویر ۵ - در این تصویر شیخ سعدی در بنگه سومات بتی را که از عاچ است می‌بیند که یک دست خود را بلند کرده ، و از این نظر درد دنیا خیلی مشهور بوده و مردم بت‌پرست ، از نقاط دور برای زیارت آن می‌آمدند . سعدی شبی را در آن بنگه می‌گذراند ، می‌بیند که این بت در نتیجه مختصر حرکت در بدن ، بازوان خود را بطور معجزه آسا حرکت می‌دهد . در نتیجه حقیقت این بت‌کنده را درمی‌یابد .

تصویر ۶ - بزرگ‌زاده‌ای ، با همراهان خود از مشاهده جسد دشمنش متأثر میشود و ابراز میکند ، که از خبر مرگ وی ناراحت و متأثر شده است ، همچنین در این تصویر قبرستانی نشان داده میشود که همراهان بزرگ‌زاده مشغول دعا هستند .

آداب و رسوم ایرانی در نقاشیهای دوره مغول

داستان نقاشیهای کتابهای دوره مغول از ابتدای دوره پادشاهی تا پایان پادشاهی مغول (۱۸۷۵ میلادی) بسیار جالب است .

باین همراه خود در سنه ۹۳۲ هجری علاوه بر هنرهای آسیائی وسطی ، نقاشان و خطاطان را به هندوستان آورد . همایون همیشه کتابهای پسندیده در سفر و حضر همراه خود داشت . وقتی که زندگیش روبه‌پیشانی گذاشت در سال ۹۴۶ هجری به ایران آمد ، و ده سال میهمان شاه طهماسب بود . در تبریز از نظر علاقه به علوم و اخلاق در میان نویسندگان و نقاشان و شعرا مشهور گردید . اقبال باردیگر بروی رو آورد که به هندوستان برگشت و همراه خود میر سید علی تبریزی خواجه عبدالصمد شیرین قلم کاتب ، برید دوری و ملا فخر مجلد را برد . این افراد شیوه نقاشی را به شاهزاده اکبر آموختند . و طریقه نقاشی ملل غیر مسلمان را با توجه به روش خودشان نیز فرا گرفتند این امر یک تحول بزرگ و طولانی است که با تشویق درباریان نقاشی اسلام قوت گرفت و توسعه یافت و کتابهای مصور زیادی بچاپ رسید و مجموعه‌های ارزنده بوجود آمد . و بدین ترتیب با حمایت دربار مغول نقاشی آن دوره توسعه قابل توجهی پیدا کرد . در دربار مغول کارنامه مصور تهیه گردید که امروز در دنیا بی‌نظیر است .

مطالعه و بررسی زمان اکبر این حقیقت را روشن میکند که نقاشان ایرانی ، نقاشان محلی را به سبک استاد بهزاد تعلیم دادند و رشته‌های مختلفی از نقاشی بوجود آمد که برای تعلیم هر کدام از آن رشته‌ها استادان ماهری تربیت شدند . رشته‌های فوق عبارت بودند از : ترسیم صورت - رنگ آمیزی - طراحی - صورت‌نمایی و غیره .

از امضاهائی که زیر نقاشی‌های دوره اکبر دیده میشود مهارت فنی آنان مشهود است از مهمترین نقاشان غیر مسلمان دوره اکبر و سوده‌تو گوردن قابل ذکر است . در ابتدای زمان جهانگیر نقاشان دیگر ایرانی به هند آمدند که رضا بن ملاصغر و غیره را میتوان نام برد در این دوره هنر نقاشی پیشرفت مخصوصی کرد . یعنی در این زمان تشابهی بین کار دو نقاش وجود ندارد . جهانگیر هم مثل دوره اکبر خال عالم را بعنوان سفیر خود به ایران فرستاد و بشینداس را نیز همراه وی کرد ، که علاوه بر استفاده از سبک نقاشی ایرانی ، تصاویری از امرا و درباریان

بزرگ تهیه نماید . بشینداس تا زمان شاهجهان مشغول نقاشی بوده است .
 تصاویر مذکور در فوق که مربوط به گلستان و بوستان است میتوان گفت از کارهای
 دوره اول شاهجهان است . ولی متأسفانه ذکرى از نام نقاشان نشده است البته معلوم است که
 نقاشانی مثل بشینداس ، منوهر - چترمن وغيره در این دوره میزیستند و میتوانیم آن تصاویر را
 به این نقاشان نسبت دهیم . و این امر از نقاشی های موجود استنباط میشود .

نتیجه

در باره نسخه مصور گلستان و بوستان بطور مختصر قبلاً صحبت کردیم که وسیله حکیم
 رکن مسعود در زمان شاهجهان در پایتخت هندوستان در (اکرا) نوشته شده است . همچنین اشاره
 شد که چگونه نقاشی عهد مغول تحت تأثیر آداب و رسوم و همچنین شیوه نقاشی ایرانی است .
 آنچه معلوم است ، این نسخه های مصور گلستان و بوستان در اکرا تهیه شده ، ولی محرک اصلی
 آن ایرانی است ، همچنین باید در نظر داشت که تمام این نقاشیها مربوط به آداب و رسوم ملی
 در دوره مغول بوده است . اهمیت این دو نسخه در این است که نقاش برای ترسیم نقاشی خود
 و تهیه تابلوهای خود از مطالب گلستان و بوستان استفاده کرده است .

